

بررسی چند کانون مهم اثر گذار بر اندیشه ترقی در دوره قاجاریه

دکتر شاهین پهنادایان^۱

چکیده

ایران در قرن ۱۳ خورشیدی/۱۹ میلادی دچار دگرگونی های فراوانی گردید. عصر قاجاریه شاهد تحولات شگرف در تاریخ ایران است مهمترین این مسائل برخورد با تمدن غرب در زمینه های مختلف است در این برخوردها ایرانیان با اندیشه ترقی خواهی آشنا گردیده اند و کانون های مهمی در رشد و باروری آن موثر بوده است. این کانون ها را می توان به ترتیب ذیل نام برد:

مسافرت به غرب و دستاورد های علمی و تکنیک آن، محصلان فرنگ رفته، ترجمه کتب، تأسیس دارالفنون و ترویج معارف نوین، ترجمه روزنامه های خارجی و نوشتن اخبار فرنگی در روزنامه های داخل، در این مقاله به بررسی این کانون ها اشاره می شود.

کلید واژه ها:

ایران - تمدن غرب - قاجاریه - اندیشه ترقی - دارالفنون.

مسافرت به غرب و دستاوردهای علمی و تکنیکی آن

اما عصر قاجاریه عصر دگرگونی؛ عصر آب افکند به خوابگه مورچگان بود، عصر آگاهی و تغییر؛ آگاهی بر مظاهر تمدن غرب، به وجود «اندیشه تسخیر ممالک بعیده» (شوشتری-۱۳۶۳، ۲۸۴) از جانب ممالک اروپایی، به واپس ماندگی (ژوبر، ۲۱۷، ۱۳۴۷) و تغییر در وضع موجود. این دوره مصادف با قرن ۱۹ میلادی / ۱۳ خورشیدی است. اندیشه ترقی خواهی و اصلاحات سیاسی و اقتصادی، در آسیا رونق یافت. این اندیشه در برخورد با تمدن پیشرفته غرب شکل گرفت. تقریباً به طور هم زمان با ایرانیان، در ممالک عثمانی و ژاپن شاهد تکاپوهای ترقی خواهانه دولتمردان هستیم. در ایران، جنگ با روسیه تزاری در زمان فتحعلی شاه سرآغاز تدبیرات نظامی، سیاسی، اقتصادی شد. در پی یافتن راه های مناسب برای تحقق آرمان های نظامی و اقتصادی روابط با غرب توسعه یافت. در زمان عباس میرزا در سال ۱۲۲۴ ه ق اولین قرارداد با انگلستان منعقد می شود. و شاهد آن هستیم که یکصد سال بعد در سال ۱۳۲۴ ه ق (۱۲۸۵ خورشیدی) مشروطیت شکل میگیرد. در این یکصد سال به خصوص در عصر ناصری ایران شاهد تحولات زیادی در زمینه ترقی خواهی است. با ورود هیأت های سیاسی و صاحب منصبان نظامی، پیمان نامه های همکاری دو جانبه با دول غربی بسته می شود. حاصل این عهدنامه ها، از یک طرف تسهیل بازرگانی و تجارت خارجی و از طرف دیگر احساس نیاز به دانستن زبان های خارجی و علوم جدید و صنایع نظامی و اقتصادی بود (شمیم، ۱۳۷۱، ۶۲، ۶۵، ۷۵، ۸۹) بنابراین به سرعت، هم شاگرد برای تحصیل به فرنگ فرستادند و هم طرح نو و نظام جدید در سازمان ارتش ریختند، «می گوید مقربانی داشت که به السنه مختلف آشنا بوده اند فرانسه، روسی، انگلیسی، هندی». (دنبلی، ۱۳۵۱، ۱۳۲-۱۳۱) برای آشنای با ضعف داخلی و نیاز مبرم به اصلاحات در تمام زمینه ها بهترین منابع سفرنامه های خارجی است در عین حال

سفیر فتحعلی شاه در انگلیس برای پیگیری قرارداد مجمل بود (۱۲۲۴ه ق) وی دو سفرنامه از خود به یادگار گذاشته است، یکی حیرت نامه سفرا (ایلچی، ه-ق ۱۳۶۴) که شرح مسافرت اوست به انگلیس و دیگری دلیل السفراء که شرح سفر او به روسیه است.

وی در حیرت نامه سفرا از تمام مظاهر تمدن جدید یاد کرده است و آنچه درخور توجه است پس از دیدن آن همه عجایب به (اهل ایران) توصیه میکند. تا از کار «اهل انگلیس اقتباس کنند» و «عقل معاش را بر عقل معاد» مقدم داشته تا به «سرحد کمال و ثروت» برسند، چنانکه به زعم او، انگلیسی ها چنین کرده و متمول شدند. (ایلچی، ه-ق ۱۲۷، ۱۳۶۴ و ۱۴۹ و ۲۱ و ۳۲۷)

مسافرت به غرب، چه در قالب سیاسی و چه برای تحصیل و سیاحت ادامه داشت. یکی از سیاحان غرب حاج سیاح محلاتی بود، او بیست سال از عمر خود را به سفر گذرانید، واکثر کشورهای اروپا و امریکا و شرق آسیا را دید و در سفرنامه خارجی اش، هم به توصیف اروپا می پردازد و هم آمریکا. بعد از این مسافرت ها حاجی سیاح به ایران بازگشت و آنچه در کشور دید، فقر و عقب ماندگی و نابسامانی اوضاع بود. میرزا ملکم خان درباره این عقب ماندگی و فقر می نویسد: «ایران فقیر است، ایران مفلوک است. ایران گذاست. به علت اینکه ایران عدالت قانونی ندارد. به علت آنکه وزرای ایران نتوانستند قبول کنند که علاوه بر عقل شخصی ایشان از برای ترقی دول، چه نوع کرامات علمی در دنیا ظاهر شده است». (ملکم خان، ۱۳۲۷، ۱۹۵) حاج سیاح نیز ترقی خواه در آمد. (حاج سیاح، بی تا، ۹۳-۹۴-۱۹) حاج سیاح که در طول سفرهایش با چندین زبان آشنا شده بود و درد عقب ماندگی وطن را نیز به دوش می کشید، مورد توجه محافل ترقی خواهی قرار گرفت و مامور توزیع الواح قانون میرزا ملکم خان در ایران شد و حتی بنا به خواسته کسانی چون ملکم و دوستان او، برای

یافت. برخی از محصلان دستاوردهای تمدنی را با خود (به شکل ابزار و وسایل کار) آوردند و برخی با فکر مملو از طرح و نقشه بازگشتند. یکی از این شاگردان میرزا صالح شیرازی بود. او در انگلیس حکمت طبیعی و تاریخ و زبان لاتین و فرانسه و صنعت چاپ را فرا گرفت و پس از بازگشت به ایران مترجم دولت شد و در ماموریت های سیاسی شرکت جست. همچنین مامور تعلیم شاگردانی شد. بانی روزنامه ای به نام کاغذ اخبار گردید. (اردکانی، ۱۳۷۰، ۱۷۶-۱۷۹). میرزا صالح، تفصیل مسافرت خود را در سفرنامه هایی نگاشته است. (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۶۴) وی تمدن انگلیس را شناخته و آن تمدن را بر محور تجارت دانسته و تأکید می دارد رواج اسباب ترقی دولت انگلیس از زمان الیزابت اول (۱۵۵۸م) به سبب تجارت و ساختن کشتی و تجارت دریا است. (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۶۴، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۲۷۶، ۲۳۲، ۲۶۶، ۳۳).

همان زمان با میرزا صالح، میرزا جعفر خان مهندس (مشیر الدوله بعدی) برای تحصیل به انگلیس اعزام شد. میرزا جعفر خان نیز در طول تحصیل به تمدن فرنگی اعتقاد یافت. وی درنامه خصوصی خود به یک بانوی انگلیسی از مشورت خانه مقتدر، قوانین خوب و حکیمانه، آزادی حقیقی، پیشرفت های علوم و صنایع مستظرفه و مهمان نوازی انگلیسی ها بسیار تمجید می نماید و به نکات مهمی توجه می کند که حاکی از شناخت او از روابط انگلیس و روسیه و حوزه کار ایران بود؛ او در همان نامه نوشته است «امیدوارم که پیوندهای تازه واستوار بین این کشور (انگلیس) و ایران برقرار گردد زیرا انگلستان ناچار است کشور مرا به مثابه سدی در برابر جاه طلبی بی حد و حصر روسیه نسبت به قدرت بریتانیا در هندوستان ببیند. (رایت، ۱۳۵۹، ۵۷-۱۵۶-۱۶۱) میرزا جعفر در ایران معلم ریاضیات و مهندس فرزندان اشراف در تبریز شد. سپس سفیر ایران در استانبول گردید (۱۲۶۰ق) در کمیسیون ارزنه الروم برای رفع اختلافات مرزی ایران و عثمانی شرکت کرد، بعدها یکی از مشاوران ناصرالدین شاه

تهران تأسیس کرد که هم آموزش نظامی و هم علمی و فنی را در بر می گرفت...» این مدرسه طی چندین دهه تنها مدرسه عالی مدرنی بود که با پشتیبانی مالی دولت اداره می شد و چنانچه ناصر الدین شاه از تأثیرات این روشنگری به وحشت افتاده و کوشید از آموزش مدرن و سفر به خارج برای تحصیل جلوگیری کند. چندین مقام حکومتی، افسر ارتش، و دیگر افراد مهم از دارالفنون فارغ التحصیل شدند. (کدی، ۱۳۸۱، ۵۶-۵۵) رشته های مختلف دارالفنون شامل طب، داروسازی، شیمی، فیزیک، السنه خارجی، تاریخ و جغرافی، معدن شناسی و فنون نظامی بود، موسیو ژان داود مترجم، مأمور آوردن معلمینی از اطریش و آلمان گشت و زمانی که با معلمین وارد تهران شد از امیرکبیر خبری نبوده. (آل داود، ۱۳۷۱، ۲۲۹) دارالفنون با معلمین خارجی و بعدها معلمین ایرانی خود شروع به کار نمود. اغلب مترجمین دارالفنون شاگردان ایرانی تحصیل کرده در فرنگ بودند، مانند میرزا ملکم مترجم، زطی معلم حساب، و میرزا رضای کاشانی مترجم، چارنو تا معلم معدن شناسی. (آدمیت، ۱۳۶۳، ۳۵۴ به بعد)

معلمین اروپایی کتب رسالاتی برای تدریس نوشتند و محصلان ایران و یادانش آموختگان در فرنگ آنها را ترجمه می کردند به عنوان مثال، دکتر پولاک، معلم طب و تشریح، کتبی را ترجمه و تالیف کرد و یا دکتر شیلمر هلندی، سه کتاب جلاء العیون در کحالی، زینه البلدان جلدی و سرالحکمه در تشریح رانگاشت. (پولاک، ۱۳۶۸، ۳۵۱) از کتب علوم طبیعی که در این ایام ترجمه شد «جانور نامه» بود که شمه ای از رساله داروین به نام «اصل انواع بنابر انتخاب طبیعی» را در بر می گرفت. در جانور نامه، رشته های دانش طبیعی با تعریف علمی آنها ذکر شده و فلسفه تکاملی داروین مبنی بر شروع حیات از مبدأ واحد و تبدیل انواع و دگرگونی گونه ها به شرح آمده بود، هر یک از این کتب، مبنای تغییر تفکر اجتماعی و تحول ذهنی شاگردان نسبت به

داخلی و خارجی شدند و این عوامل هسته اولیه روزنامه نگاری را در ایران تشکیل داد. (ذاکر حسینی، ۱۳۷۰، ۴۰)

نخستین روزنامه نگار ایرانی میرزا صالح شیرازی بود که بعدها بسیاری از خصایص او را روزنامه نگاران سالهای بعد به میراث بردند. نخستین روزنامه در ایران در اوایل سلطنت محمد شاه انتشار یافت و میرزا صالح شیرازی آن را اداره میکرد ادموند دو تامل در تاریخ مختصر قاجاریه که در سال ۱۸۷۳ مسیحی مطابق ۱۲۹۰ هجری در پاریس طبع کرده درباره این روزنامه می نویسد «در عهد محمد شاه به سال ۱۸۳۷ میلادی (مطابق ۱۲۵۳ هجری) اولین بار در تهران روزنامه دولتی انتشار یافت و این روزنامه ماهیانه بود. تاریخ انتشار اولین شماره آن اول ماه مه (دوشنبه ۲۵ محرم ۱۲۵۳) بود.» این روزنامه با چاپ سنگی به قطع یک ورق بزرگ از کاغذ خانباغ چاپ می شد و چاپ آن چندان عالی نبود. روزنامه مزبور نام مخصوصی نداشت و فقط در آخر صفحه اول نشان دولتی ایران دیده می شد. همین روزنامه است که پس از تغییرات محسوس به صورت روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه رسمی تهران درآمده است. (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۵، ۵۶-۵۷)

به دستور امیر کبیر، روزنامه خارجی از فرانسه، انگلیس، روس، اتریش، عثمانی و هند می رسید و قسمتی از آنها ترجمه شده و به صورت جزوه ای تحت اختیار امیر قرار می گرفت که حاوی اخبار سیاسی و اقتصادی بود. (رضوانی، ۱۳۷۲، ۸۳)

ترجمه روزنامه ها بعدها نیز ادامه یافت و محمد حسن خان اعتماد السلطنه، اخبار خارجی را برای ناصرالدین شاه ترجمه می کرد و می خواند. (روزنامه وقایع اتفاقیه: سال ۱۲۶۷ ه. ق. شماره ۱۶، ۱۳، ۲، ۳، ۴) بخش هایی از این اخبار در روزنامه وقایع اتفاقیه چاپ می شد تحت عنوان «وقایع و اخبار فرنگ» که این بخش نشانگر اختراعات و اکتشافات جدید در اروپا و امریکا و ژاپن بود. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۹، ۷۵-۹۷۴-)

فرجام سخن

همانطوری که گفته شد عصر قاجار عصر دگرگونی هاست. عصر آب افکند به خوابگه مورچگان بود. در این دوره ایران در ابعاد مختلف با تمدن فرهنگ غرب به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی برخورد پیدا کرد. آمد و شدها از سوی فرنگیان در قالب سفارت ها و سفرنامه ها و رفتن از جانب ایرانیان در قالب سفارت و سیر آفاق و انفاس، شنید سخنان خارجیان و دیدن پیشرفت های مغرب زمین، اعزام محصلان به خارج، و دیدن شیوه زندگی جدیدی که بر اثر مدرنیته بوجود آمده ترجمه کتب مختلف، تاسیس دارالفنون هر چند برای نیم قرن جلوی رشد آن گرفته شد. بالاخره در ابعاد مختلف رشد خود را آغاز نمود. ترجمه روزنامه های خارجی و درج اخبار فرنگیان در روزنامه های ایرانی کانون های بسیار مهم در رشد و آگاهی و ترقی خواهی ایران گشت و تاثیرات آن در نهایت به جنبش سیاسی، اجتماعی و تغییر خواه مشروطیت منجر گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امیر کبیر، ۱۳۵۹.

۱۴- رضوانی، محمداسماعیل: تاریخ ورود جراید خارجی به ایران «کتاب تاریخ معاصر، ش اول، تهران، موسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۸۳.

۱۵- روزنامه وقایع اتفاقیه: سال ۱۲۶۷ ه.ق. شماره ۱۶، ۱۳، ۲، ۳، ۴.

۱۶- زورق، محمد حسین: مبانی تبلیغ، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۸.

۱۷- ژوبر، پ.ام.: مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود مصاحب، تبریز،

چهر، ۱۳۴۷.

۱۸- سفرنامه حاج سیاح به فرنگ: علی دمباشی، تهران، صفوی، بی تا.

۱۹- شمیم، علی اصغر: ایران در زمان سلطنت قاجار، تهران، علمی، ۱۳۷۲.

۲۰- شوشتری، میر عبدالطیف خان: تحفه العالم و ذیل تحفه، به اهتمام صمد

موحد، تهران، انتشارات

۲۱- طهوری، ۱۳۶۳.

۲۲- شیرازی، مجموعه سفرنامه های میرزا صالح: به اهتمام غلامحسین میرزا صالح،

تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.

۲۳- کرمانی، نظام الدین: تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، به اهتمام علی اکبر سعید

سیرجانی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۷.

۲۴- کدی، نیکی. آر.: ایران دوره قاجار و برآمدن رضا خان، ترجمه مهدی حقیقت

خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱.

۲۵- ریشه های انقلاب اسلامی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم،

۱۳۶۹.

۲۶- کتابچه بارون و کتابچه جلد مخمل، اسناد بنیاد مستضعفان.

۲۷- مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۷۱.

